


نقدی بر «ویژه‌نامه تحلیل تاریخی تجارب توسعه فناوری و نوآوری ایران»، پاییز ۱۴۰۰ بهبود مدیریت



دوره ۱۵ شماره ۴ (پیاپی ۵۴)
زمستان ۱۴۰۰

نوع: نامه به سردبیر (تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰) صفحات ۶ - ۱

سیدسپهر قاضی نوری  استاد گروه مدیریت فناوری اطلاعات، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

فصلنامه بهبود مدیریت در شماره پاییز ۱۴۰۰ اقدام به انتشار ویژه‌نامه‌ای با موضوع «تحلیل تاریخی تجارب توسعه فناوری و نوآوری در جمهوری اسلامی ایران» نمود. این تجربه که به نوعی اولین تجربه جدی در این حوزه حساب می‌شود، در کنار محاسن و قوت‌های مختلف که حاصل تلاش نویسندگان، داوران محترم و دبیر علمی ویژه‌نامه بوده، به واسطه جدید بودنش دارای اشکالاتی هم می‌باشد که باید با نقد دقیق آن و ارائه راهکارهای بهبود، تلاش کرد تا پژوهش‌های بعدی را با دقت و کیفیت بالاتری انجام داد. در این خصوص یادداشتی که آقای دکتر سیدسپهر قاضی نوری - از اعضای هیات تحریریه فصلنامه و از اساتید برجسته حوزه سیاستگذاری علم و فناوری - به فصلنامه ارسال کرده‌اند به عنوان «نامه به سردبیر» منتشر می‌شود.

واژگان کلیدی: مطالعات تاریخی، نقد، ویژه‌نامه تحلیل تاریخی تجارب توسعه فناوری و نوآوری در جمهوری اسلامی ایران.

فصلنامه وزین بهیود مدیریت، در شماره پاییز ۱۴۰۰ خود اقدام به انتشار ویژه‌نامه‌ای کرده بود که حداقل برای شخص من، موضوعی جذاب داشت و لذا به بررسی مقالات آن پرداختم. به این تلاش همکاران و به‌ویژه سردبیر جوان ویژه‌نامه (دکتر کیارش فرتاش) ارج می‌نهم و کماکان معتقدم مجلات علمی کشور، بایستی از انفعال خارج شوند و صرفاً مصرف‌کننده منفعل خروجی‌های دست دوم تحقیقات دانشگاهی نباشند (زیرا خروجی‌های دست اول، قاعدتاً در مجلات بین‌المللی منتشر می‌شود)، بلکه باید با زمان‌بندی مناسب، به نحوی عمل کنند که برخی پایان‌نامه‌ها فرصت داشته باشند که از ابتدا بر اساس فراخوان ویژه‌نامه‌ها و با هدف درج مقالات در آن‌ها تعریف شوند و خط فکری آن ویژه‌نامه و مجله علمی را دنبال نمایند. در جهت اعتلای این رویکرد، و به عنوان یکی از اعضاء هیأت تحریریه فصلنامه بهیود مدیریت که همواره به ارتقای کیفیت آن، توجه و اهتمام و البته نقدهایی داشته‌ام، لازم دیدم با نگاهی یک‌جا و کلی به مجموعه ده مقاله منتشر شده در ویژه‌نامه فوق، نکاتی را از باب یادآوری به همکاران و نویسندگان دست‌اندرکار و خوانندگان آن بنگارم و طبیعی است که قلم من نیز مانند هر نگارنده دیگری، خالی از خطا و لغزش نیست:

۱- نقدها

۱. من نیز با اهمیت تحلیل تاریخی، به‌ویژه در ارزیابی و نقد سیاست‌ها هم‌داستان هستم، اما اتفاقاً چیزی که در اغلب مقالات ویژه‌نامه چندان شاهد آن نیستیم، نقد است. حداقل نیمی از مقالات، توسط دست‌اندرکاران سیاست‌های مورد بررسی نگاشته شده است و نمی‌توان نقد خاصی در آن‌ها یافت. عدم رعایت بی‌طرفی، ایرادی بزرگ برای مقاله علمی است و گمان نمی‌رود تردیدی در این مورد وجود داشته باشد.
 ۲. به لحاظ روش‌شناسی، برخی مقالات به خاطر نویسی روی آورده‌اند و صرفاً شکل روایت دارند و حال آن که روش‌های مختلفی نظیر تحلیل مقوله‌محور (تماتیک) یا زمینه‌محور (گراندد) می‌توانست به کار گرفته شود. بعضی از مقالات حتی به مصاحبه با افرادی محدود در حد انگلستان یک دست قناعت کرده‌اند، که گمان نمی‌رود راهبرد پژوهشی مقبول و مصوبی باشد.
 ۳. نوشتن مقاله به روش تحلیل تاریخی، نافی رعایت اصول مقاله‌نویسی علمی نیست. چند مورد از مقالات، اصولاً به مرور پیشینه پژوهش پرداخته‌اند و اغلب آن‌هایی هم که پرداخته‌اند، در حد یکی دو صفحه مطلب بی‌هدف تهیه کرده‌اند، که نهایتاً نه به کشف شکاف پژوهش‌های قبلی منجر شده است، و نه به یک مدل نظری برای انجام تحقیق. چگونه می‌توان به نقد یک سیاست داخلی نشست اما تجربیات خارجی را حتی اسم هم نبرد؟
- یادآور می‌شود که در مقدمه مقاله باید سؤال پژوهش را تبیین کرد و در مرور پیشینه، بررسی کرد که دیگران برای پاسخ به آن سؤال چه کارهایی کرده‌اند و طبعاً چه کارهایی نکرده‌اند که در

Archive of SID

مقاله ما اتفاق خواهد افتاد. به همین ترتیب، استخراج و شفاف‌سازی سؤال دقیق پژوهش را در برخی از مقالات ویژه‌نامه شاهد نیستیم و مقدمه‌ها بیشتر به فهرست مطالب بعدی مقاله تبدیل شده‌اند.

۴. در برخی از حوزه‌های بررسی شده در مقالات ویژه‌نامه، قبلاً پژوهش‌ها و مقالات متعددی منتشر شده که مورد ارجاع قرار نگرفته است، در حالی که حداقل توقع از یک تحلیل تاریخی، همین امر می‌باشد.

۵. به ندرت توانستم قسمت بحث (مقایسه یافته‌ها با پیشینه) را در مقالات ویژه‌نامه ببینم، هرچند تیتیر "بحث" بعضاً وجود داشت. به علاوه، سردرگمی بین رویکرد قیاسی و استقرایی، موجب شده تا بخش نتیجه‌گیری مقالات، ابتر بماند، یعنی مشخص نیست نویسندگان قصد استخراج الگویی از پژوهش خود برای تجویز به دیگر موارد دارند و یا تطابق تجربه ایران با یک الگوی قبلی را بررسی می‌کنند. طبیعتاً هر کدام از این رویکردها، نگارش نتیجه‌گیری خاص خود را می‌طلبد.

۶. به لحاظ پراکندگی نویسندگان، باید گفت که دانشگاه علامه طباطبایی و دانش‌آموختگان آن، سهمی نامتناسب در ویژه‌نامه داشته‌اند و نقش معاونت علمی و فناوری هم پررنگ بوده است، در حالی که سیاست‌های فناوری و نوآوری کشور، ابعاد سازمانی بسیار متنوع‌تری دارد که البته شاید کسی برای تبدیل آن دسته تجارب به مقاله ویژه‌نامه، داوطلب نشده باشد.

۲- قوت‌ها

ضروری است باز هم تأکید کنم که خیلی از این نکات ممکن است حتی به مقالات خودم و دانشجویانم نیز وارد باشد. هدف نکات فوق، عیب‌جویی نیست، بلکه تحلیل تاریخی تجربه انتشار ویژه‌نامه مزبور است، و امید آن که مورد توجه پژوهش‌گران این حوزه قرار گیرد. البته از میان نقاط مثبت فراوان ویژه‌نامه هم می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. ترویج تحلیل تاریخی به عنوان یک روش تحقیق کمتر مقبول در مجلات علمی داخل. دقت کنیم که برای این تحلیل‌های سیاستی، استفاده از روش‌های تحقیق مرسوم، مانند پیمایش (به دلیل کوچک بودن جامعه و نمونه صاحب‌نظران) و اقتصادسنجی (به دلیل کمی نبودن و قابل اندازه‌گیری نبودن همه ورودی‌ها، خروجی‌ها، دستاوردها و آثار) و تحقیقات آزمایشگاهی و ... ممکن نیست، و لذا نیاز داریم که تحلیل‌های کیفی به روش‌های اقدام‌پژوهی و قوم‌نگاری و تحلیل تاریخی و ... را خوب بشناسیم و به کار بگیریم.

۲. تمرکز روی سیاست‌های فناوری و نوآوری که نیاز کنونی کشور ماست و در مقایسه با سیاست‌های صنعتی، بهداشتی، اجتماعی و ... کمتر مطالعه شده است.

۳. تنوع سطح مقالات که از سطح سازمان و بنگاه تا صنعت و کشور را در بر می‌گیرد و یک مجموعه غنی از لایه‌های مختلف سیاست‌گذاری را پوشش داده است.
۴. تنوع حوزه‌های مقالات که صنایع دفاعی، نفت، تجهیزات پزشکی، غذایی و ... را شامل می‌شود و امکان بررسی مقایسه‌ای آن‌ها را فراهم می‌سازد.

۳- به سوی طرحی برای تدوین مقالاتی با رویکرد «تحلیل تاریخی»

و اما از همه این نکات مهم‌تر، مروری است بر آنچه از یک پژوهش تاریخی توقع داریم. پژوهش تاریخی، از آن دست تحقیقاتی است که بر موضوعی معین که در گذشته و در یک مقطع زمانی مشخص اتفاق افتاده، صورت می‌گیرد. از آنجا که در فاصله دو زمان مشخص در گذشته، رویدادهایی به‌وقوع پیوسته و پایان یافته است (هرچند احتمالا آثار آن هنوز هم ادامه داشته باشد)، تلاش محقق بر آن است که حقایق گذشته را از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزشیابی و بررسی صحت و سقم این اطلاعات، ترکیب دلایل مستدل و تجزیه و تحلیل آن‌ها، به‌صورتی منظم و عینی ارائه کند و نتایج پژوهشی قابل دفاعی را در ارتباط با اهداف تحقیق، نتیجه بگیرد.

باید توجه داشت که آنچه معمولاً در کتب و مقالات تحت عنوان تحقیق تاریخی شناخته می‌شود، ممکن است تا حدی متفاوت از چیزی باشد که منظور ما و ویژه‌نامه مورد بحث است. مراد آن‌ها غالباً تحقیق در موضوع تاریخ و وقایع تاریخی و صحت و سقم آن‌هاست. اما ما در اینجا به دنبال استفاده از تاریخ به عنوان یک راهبرد پژوهشی هستیم تا با بررسی و تحلیل سیر زمانی^۱ وقایع، به آثار و عواقب یک اتفاق سیاستی دست یابیم. تاریخ‌دانان به دنبال این هستند که فلان واقعه چه بوده و چطور اتفاق افتاده، در حالی که ما در نحوه اتفاق افتادن آن چندان تردید نداریم بلکه در نتایج حاصله و میزان انتساب شرایط بعدی به آن اتفاق سیاستی، تفکر می‌کنیم.

هرچند در مورد علمی بودن یا غیر علمی بودن روش تحقیق تاریخی، تشکیک‌هایی وجود دارد که ناشی از کمبود منابع یا دسترسی نداشتن محقق به آن‌ها و نیز عدم اطمینان از صحت مدارک و نیت و بی‌طرفی راویان آن‌هاست و از همه مهمتر اینکه، امکان تعمیم و پیش‌بینی را که از مهمترین اهداف هر پژوهشی است به سادگی به محقق و خواننده تحقیق نمی‌دهد، اما واقعیت آن است که چاره‌ای جز انجام این قبیل پژوهش‌ها نداریم و صرفاً می‌توانیم دقت کنیم که دچار قضاوت‌های ناصواب نشویم. مثلاً ارزش‌های زمان خود را به دوره تحقیق تعمیم ندهیم و یا به مصداق "معما چو حل گشت آسان شود" در مورد اتفاقات گذشته قضاوت نکنیم. همچنین از یک‌سویه‌نگری در گردآوری منابع و مراجع بپرهیزیم.

^۱ Timeline

باید توجه داشت که اصولاً مراحل یک تحقیق و تحلیل تاریخی، خیلی متفاوت با هر راهبرد پژوهشی دیگری نیست. یعنی اگر فرض کنیم که مراحل هر پژوهشی شامل موارد زیر باشد:

- مرحله ۱ - ایجاد سؤال آغازین؛
- مرحله ۲ - تشخیص مسئله و مشخص کردن موضوع مورد مطالعه؛
- مرحله ۳ - توصیف مسئله تحقیق؛
- مرحله ۴ - تبیین اهمیت و اهداف تحقیق؛
- مرحله ۵ - طرح و تدوین پرسش‌های تحقیق؛
- مرحله ۶ - تعیین متغیرهای تحقیق و تعریف مفهومی و عملیاتی آن‌ها؛
- مرحله ۷ - مطالعه و بررسی سوابق تحقیق؛
- مرحله ۸ - طراحی روش‌شناسی تحقیق؛
- مرحله ۹ - جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز؛
- مرحله ۱۰ - استخراج و پردازش داده‌ها؛
- مرحله ۱۱ - پاسخگویی به سؤالات تحقیق؛
- مرحله ۱۲ - نتیجه‌گیری و ارائه گزارش،

تحقیق تاریخی هم باید همین مراحل را طی کند و صرفاً در برخی از مراحل فوق، رعایت نکات ذیل اهمیت بیشتری می‌یابد:

۱. اکتفا نکردن به مراجع شفاهی نظیر مصاحبه‌ها و استفاده از انواع منابع مکتوب و الکترونیکی؛
۲. تلاش برای یافتن نظرات مختلف و حتی متضاد در مورد یک موضوع (مثلاً نتایج یک سیاست خاص) و مواجهه دادن این نظرات متفاوت برای کشف حقایق؛
۳. اعتبارسنجی منابع، افراد، اسناد و ... جهت حذف داده‌های بی‌اعتبار یا مشکوک. مثلاً منافع احتمالی هر راوی و تحلیل‌گری را بررسی کنیم و ببینیم آیا دلیلی برای راست نگفتن یا کامل نگفتن حقایق دارد یا خیر.
۴. بهره‌گیری از روش‌هایی نظیر تحلیل مقوله‌محور (تماتیک)، داده بنیاد، نمودارهای زمانی و ... برای فهم دقیق‌تر رویدادها و ارتباطات بین آن‌ها؛
۵. تلاش برای استخراج یک روایت به هم پیوسته و منسجم از ورای داده‌های گردآوری‌شده که دارای سازگاری درونی باشد و داده‌های حاصل از منابع مختلف را پوشش دهد؛
۶. اعتبارسنجی روایت مذکور از طریق مقایسه با سایر منابع و عرضه به صاحب‌نظران و مقایسه با شواهد؛

۷. شاید بهتر باشد پژوهشگر تاریخی از تعمیم و تجویز بپرهیزد و اجازه دهد که این کار را محققان بعدی و در قالب‌هایی نظیر فراترکیب و فراتحلیل روی پژوهش‌های متنوع به انجام برسانند.

با همه این تلاش‌ها، باید اذعان کرد که جدی‌ترین عاملی که یک تحلیل تاریخی را با بحران عینیت مواجه می‌سازد، چالش علیت است. به هیچ روی نمی‌شود اطمینان یافت که شرایط کنونی یک متغیر وابسته (مثلاً وضع اقتصاد دانش‌بنیان کشور) تا چه میزان ناشی از فلان متغیر مستقل (مثلاً سیاست‌های معاونت علمی و فناوری) بوده و تا چه میزان ناشی از شرایط عمومی سیاسی و اقتصادی کشور. در هر زمانی می‌شود ادعا کرد که اگر این سیاست‌ها نبودند وضع اقتصاد دانش‌بنیان خیلی بهتر یا خیلی بدتر بود. به نظر می‌رسد نهایتاً هم نتیجه‌گیری پژوهشگر تاریخی در اینگونه موارد، بیش از هرچیز تابعی از نگاه و موضع شخصی اوست و این معضل که در تمام تحقیقات کیفی وجود دارد، در تحقیقات تاریخی شدیدتر است.